

زنگبار تحت نفوذ انگلستان

جلوس برغش

در سال ۱۸۷۰ سید برغش برادر سید مجید به تخت سلطنت زنگبار جلوس کرد و تا سال ۱۸۸۸ سلطنت کرد. در مدت سلطنت او ممالک اروپا علاقه زیادی به افریقان نشان دادند که قبلاً "تحت عنوان تقسیم افریقای شرقی به تفصیل شرح داده شد. در اینجا باید خاطر نشان کرد که علاقه انگلستان به زنگبار که در بدو امر محدود به الفای برده فروشی بود در نتیجه افتتاح کانال سوئز در ۱۸۶۹ که افریقای شرقی را در حدود ۴۰۰۰ میل به اروپا نزدیکتر می کرد افزایش یافت. در زمان سلطنت سلطان برغش نماینده مقیم انگلیس در زنگبار یعنی سر جان کرک نفوذ زیاد پیدا کرد و در واقع نخست وزیر غیر رسمی سلطان زنگبار گردید. این مقام در نتیجه شهرت حزب کنسول های انگلیس که قبل از او خدمت کرده بودند حاصل شد و خود سر جان کرک نیز از برجسته ترین مامورین انگلیس در زنگبار بشمار می آید.

سر جان کرک

جان کرک در سال ۱۸۳۲ بدنیا آمد. اطلاعات مطبوعاتی و گیاه شناسی او باعث شد که وی به دکتر لیوینگستون بعنوان یکی از اعضای هیئت اکتشافی به زامبزی در سال ۱۸۵۸-۶۳ معرفی شود. لیوینگستون در مسافرت های خود میل نداشت افراد اروپایی را همراه ببرد و ترجیح می داد مانند مسافرت های اولیه خود تنها باشد و با افریقایی ها نزدیک باشد. بهمین جهت کرک را همراه خود نبرد ولی با او دوست صمیمی شد و در اثر توجه او بود که دکتر کرک بعنوان طبیب و نائب کنسول در زنگبار تعیین گردید وی در سال ۱۸۶۶ این پست را قبول کرد و سال بعد با میس هلن کرک ازدواج کرد و ۵ دختر و یک پسر پیدا کرد.

وضع اجتماعی زنگبار

در این زمان زنگبار در حدود ۳۰۰ هزار نفر جمعیت داشت که دوسوم آنها غلام آفریقایی بودند . عربها و هندیها و اروپاییها جزء قلیلی از جمعیت را تشکیل می دادند و باقی ساکنین آفریقایی اصلی جزیره بودند . بطوری که تخمین زده می شود در آن موقع ۴ هزار نفر عرب و شش هزار نفر هندی که اغلب مسلمان بودند و شصت اروپایی که ۲۲ نفر آنها انگلیسی بودند در زنگبار سکونت داشتند . گروه انگلیس متشکل بود از کنسول و نایب او و افراد میسیون مذهبی و چند نفر بازرگان و فامیل آنها . بعلت نداشتن وسائل فاضل آب و تعفن اجساد غلامان در کنار دریا و کثافت شهر وضع بهداشتی شهر بسیار بد بود و در سال ۷۰-۱۸۶۹ مرض وبا وارد جزیره شد و یک ربع جمعیت را هلاک کرد .

کرک علاوه بر کارهای طبی وظائف کنسول را که در آن موقع مریض بود انجام می داد . و از اینکه قادر نبود به سهولت وسائل و آذوقه به لیوینگستون برساند سخت نگران بود . راه داخله تانگانیکا در اثر منازعات بین چند قبیله بسته شده و ارتباط لیوینگستون با زنگبار قطع شده بود . کرک با کمک زنش بر مشکلات فائق آمد و در سال ۱۸۷۳ به مقام سر کنسولگری رسید و تا سال ۱۸۸۶ که از خدمت بازنشسته شد نقش عمده در سیاست زنگبار بازی کرد .

یکی از بزرگترین مسائلی که با آن مواجه بود جلب همکاری سلطان در مورد الغای برده فریسی بود و این مسئله با صدور فرمان ۱۸۷۳ مبنی بر منع صدور برده از آفریقای شرقی و بستن بازارهای بردهفروشی در مستملکات سلطان زنگبار تا حدی انجام گرفت .

مسئله دیگری که کرک با آن مواجه بود ازدیاد علاقه و فعالیت آلمان در آفریقای شرقی بود که منتج به قرارداد ۱۸۸۶ گردید که به موجب آن آفریقای شرقی به مناطق نفوذ انگلیس و آلمان تقسیم گردید . طبق این قرارداد زنگبار و پمبا و یک حاشیه باریک ساحل به سلطان زنگبار تخصیص داده شد .

یکی از خوشبختیهای آفریقای شرقی این بود که در موقع نهضت الغای بردهفروشی و فعالیتهای لیوینگستون برای اقدام جدی در این امر کرک کفیل کنسولگری انگلیس در زنگبار بود زیرا مردی دارای شخصیت و شهرت فوق العاده لازم بود تا حمایت و همکاری سلطان را برای اجرای قرارداد ۱۸۷۳ که فروش و حمل برده را منع می کرد جلب نماید . موافقت سلطان در مقابل مخالفت اتباعش نشانه آنست که تا چه حد سلطان نسبت به کرک اعتماد و احترام داشت . این حس اعتماد سال به سال افزایش می یافت تا جایی که

در سال‌های بین ۱۸۷۳ و ۱۸۸۵ کرک در نظارت و حکومت سرزمین سلطان با وی شریک بود. این همکاری با سلطانی که حکومت مستبد داشت مستلزم احتیاط و حزم و سیاست و حسن تفاهم بود. کرک این خصوصیات را داشت و در نتیجه نفوذ او بود که تجارت انگلیس با زنگبار با سرعت زیادتری رو به افزایش نهاد و در ۲۹ - ۱۸۷۸ متجاوز از یک سوم واردات و بیش از نصف صادرات جزیره را تشکیل می‌داد. علاوه بر این تجارت مستقیم بین هندوستان و زنگبار به ۲۰۰ هزار لیره در سال می‌رسید.

اعلامیه ۱۸۶۲ و پیشرفت آلمان

متاسفانه کرک موفق نشد دولت انگلیس را نسبت به امکان همکاری و مشارکت بین انگلیس‌ها و اعراب و ادار سازد سیاست مداران انگلیس در آن موقع گرفتار امور بین‌المللی و ازدیاد قدرت آلمان و همچنین خطر از جانب روسیه بودند. بنابراین حاضر بودند برای جلب نظر و همکاری آلمان با ادعاهای آن دولت در آفریقای شرقی روی موافقت نشان دهند.

حاکمیت سلطان بر قسمت عمده سرزمین آفریقای شرقی در عهدنامه‌های النای برده فروشی و اعلامیه ۱۸۶۲ که از طرف انگلیس و فرانسه بامضا رسیده بود به رسمیت شناخته شده بود و هر دو دولت قول داده بودند استقلال و حاکمیت سلطان را محترم شمارند. مرزهای مستملکات سلطان بدقت معین نشده بود و کرک متوجه خطر این مطلب بود نیروی کافی لازم بود و در ۱۸۷۷ کرک پیشنهاد کرد که به لویدماتیوز افسر نیروی دریایی دستور داده شود فرماندهی نیروی کوچکی را بعهده گرفته و اعلامیه سلطان را در مستملکات وی بموقع اجرا گذارد. ژنرال ماتیوز برای این کار همه شرایط لازم را داشت وی زنگبار را مانند وطن خود می‌دانست و وقتی انگلیس زنگبار را بعنوان تحت‌الحمایه انگلیس زیر نظر خود گرفت ژنرال ماتیوز نخست وزیر سلطان گردید. وقتی نیروی آلمان زنگبار را مورد تهدید قرارداد کرک از ارتش کوچک ماتیوز استمداد کرد. در ۱۸۸۰ به ژنرال ماتیوز دستور داده شد قلعه مستحکم در ۱۲۰ میلی بندر با گامبو در داخله خاک تانگانیکا بسازد. دولت انگلیس حاضر نبود حاکمیت سلطان را تا آن حدود تثبیت کند. وقتی بیسمارک صدراعظم آلمان فعالیت‌های کمپ استعماری آلمان را مورد حمایت قرار داد کرک متوجه خطر شد ولی متاسفانه کاری از او ساخته نبود زیرا دولت انگلیس تصمیم گرفته بود با آلمان‌ها مخالفت نکند. بعد از کنگره برلین در سال ۱۸۸۴ دولت آلمان یک ناحیه بزرگ مقابل زنگبار را که سلطان آنرا متعلق بخود می‌دانست متصرف شد. کمی بعد سلطان ویتو حمایت آلمان را بر اراضی خود که در حقیقت متعلق به سلطان زنگبار بود قبول کرد.

در آن موقع دولت انگلیس به کرک دستور داد سلطان را به قبول این وضعیت وادار سازد . همکاری بین سلطان و کرک بعد از این واقعه دیری نپایید و کرک خوشوقت بود از اینکه قبل از مجبور کردن سلطان به قبول عهدنامه ۱۸۸۶ مبنی بر تعیین حدود مستملکات مختلف زنگبار را ترک کرده و به مرخصی برود . کرک دیگر به زنگبار مراجعت نکرد . آخرین شغل مهم رسمی او نمایندگی دولت انگلیس در کنفرانس بروکسل از سال ۱۸۹۰ بود که در آن بعلت داشتن تجربیات طولانی در امور آفریقا نقش عمده بازی کرد . در ضمن به مدیریت کمپانی انگلیسی آفریقای شرقی انتخاب شد و تا سال ۱۸۹۴ در آن سمت باقی ماند و بعداً "نائب رئیس کمیته اقدامات راه آهن اوگاندا گردید .

توجه اروپا نسبت به زنگبار

شرح مختصر دوره خدمت کرک باوضع زنگبار و شرح حال سلاطین آن ارتباط مخصوص دارد . دوره خدمت کرک مصادف با ایام سلطنت سلطان مجید و سلطان برغش بود . سلطان برغش در بدو امر کوشش کرد سلطان مجید را که به جانشینی پدرش سلطان سعید به سلطنت رسیده بود خلع کرده و خود جای او را بگیرد . و بهمین علت به بمبی تبعید شد . پس از فوت سلطان مجید در ۱۸۷۰ برغش به سلطنت رسید و در دوره حکمرانی او بود که جزیره زنگبار با اروپا و آسیا ارتباط حاصل کرد و علت آن توجه و علاقه مخصوص ممالک اروپایی به آفریقا بود . دوران هیئت های اکتشافی که از ۱۸۵۶ تا ۱۸۷۳ بطول انجامید تقریباً "خاتمه یافته بود و مقالات و کتب و نوشته های مکتشفین چشم اروپا را باز کرد و امکانات استعمار و استفاده از آفریقا را دریافته بودند . در ضمن نهضت الفای برده فروشی باوج خود رسیده و دولت انگلیس برای متوقف ساختن برده فروشی تصمیم گرفت توجه خود را در زنگبار متمرکز سازد .

اقدامات سلطان سعید در بسط روابط تجارتي و توسعه وسائل حمل و نقل در زمان سلطان برغش سبب ازدیاد ثروت و بالارفتن سطح زندگی گردید و توجه ممالک دیگر را به بازارهای آفریقا و تحصیل مواد اولیه آن جلب نمود . افتتاح کانال سوئز و ازدیاد کشتی رانی از این سمت به قاره آسیا به آفریقای شرقی اهمیت خاص داد . در زمان سلطان برغش خط کشتی رانی بین زنگبار و سیشل (مجمع الجزایر کوچک واقع در اقیانوس هند) برقرار گردید و زنگبار را یکی از خطوط عمده پستی مربوط نمود کمی بعد خط بین زنگبار و بندر عدن دائر گردید و زنگبار با کمپانی هند بریتانیا ارتباط حاصل کرد . در ۱۸۷۹ تلگراف زیر دریائی بین زنگبار و عدن دائر شد .

سلطان برغش

تبعید برغش به بمبی و اقامت در هندوستان اطلاعات او را در باره دنیای خارج زیاد کرده و به ارزش ارتباط با خارج پی برده بود و ضمناً از بدست آوردن وسائل تجملی زندگی اروپایی خوشنود بود ولی در عین حال از برآوردن احتیاجات مردم زنگبار و رعایای خود غفلت نمی کرد . خط کشتی رانی بخاری با هندوستان برای وارد کردن مواد غذایی و تقلیل هزینه زندگی در زنگبار بکار می رفت . در ۱۸۷۵ خود وی به اروپا مسافرت کرد و در انگلستان با ملکه ویکتوریا ملاقات کرد و آزادی شهر لندن بوی اعطا گردید .

در خود زنگبار و در مورد سیاست داخلی با جدیت و کفایت حکومت می کرد و اگر جدیت و لیاقت او نبود طوفان شدید ۱۸۷۳ که محصول میخک *CLIQUE* را بکلی از بین برد مصیبت زیادی به جزیره وارد می کرد . یکی دیگر از اقدامات او کشیدن لوله آب شیرین از چشمه چم چم به شهر زنگبار بود زیرا آب شهر بد و متعفن بود و باعث شکایت مردم شده بود .

الغای برده فروشی

همه اقدامات وی در بهبودی وضع زندگی در نظر مردم در مقابل تسلیم و موافقت سلطان با تقاضای دولت انگلیس برای اجرای لغو برده فروشی هیچ محسوب میشد و مردم از قطع آن منبع سرشار عایدی یعنی فروش برده بسیار ناراضی بودند . عهدنامه ۱۸۷۳ و اعلامیه ۱۸۷۶ مبنی بر الغای برده فروشی بر مردم گران می آمد . در ۱۸۷۵ دولت مصر کوشش کرد به قسمتی از متصرفات سلطان در قسمت سواحل شمالی حمله برده و آنرا تصرف کند ولی این حمله در اثر اقدامات مجدانه سلطان و همکاری موثر کرک به نتیجه نرسید . سلطان برغش متوجه خطر به مستملکات خود در داخله خاک آفریقا بود و می دانست که زنگبار نه جمعیت کافی و نه ثروت قابل ملاحظه برای اداره موثر آن نواحی دارد و متوجه بود که اگر تحت فشار قرار گیرد مجبور خواهد شد از آن مستملکات دست بردارد . بنابراین فکر کرد که عاقلانه آن باشد که از دولت انگلیس کمک بخواهد و بهمین منظور با ماکینون وارد مذاکره شد و قرار شد که کمپانی انگلیس اداره امور سیاسی و اقتصادی نواحی ساحلی را به عهده بگیرد .

بعد از فوت سید برغش در ۱۸۸۸ چندین سلطان هر کدام برای مدت کوتاهی سلطنت کردند و این عده عبارت بودند از سلطان سید خلیفه ۱۸۸۸ - ۱۸۹۰ - سید علی ۱۸۹۰ - ۱۸۹۳ - سید حمید ۱۸۹۳ - ۱۸۹۶ - سید حمور ۱۸۹۶ - ۱۹۰۲ - پس از عقد عهدنامه

بین انگلیس و آلمان در مورد تقسیم افریقای شرقی جزیره زنگبار بصورت کشور تحت الحمايه انگلیس درآمد و یک سلسله تغییرات اداری در دوره سلاطین فوق صورت گرفت .
رقابت انگلیس و آلمان در افریقای شرقی

رقابت بین آلمان و انگلیس روز بروز شدیدتر و روابط آنها در مورد افریقای شرقی تیره تر می گردید و بالاخره پس از مذاکرات ممتد قرار شد اگر دولت انگلیس تغییراتی را در مرزهای افریقای جنوبی و جنوب غربی قبول کند و پایگاه دریایی هلیگولند را که در نزدیکی ساحل آلمان بود تسلیم نماید دولت آلمان تحت الحمايگی انگلیس را بر زنگبار به رسمیت بشناسد و از ادعای خود بر آن جزیره صرف نظر نماید . در عین حال حدود بین اراضی تحت تسلط آلمان و انگلیس در افریقای شرقی تعیین گردید و خطی که از ساحل شمالی رود اومبالا (Umbala) شروع میشد و از سمت شمالی کوه کلیمانجار و گذشته بسمت غربی دریاچه ویکتوریا می رسید مرز بین متصرفات دو کشور تعیین گردید به سلطان زنگبار توضیح داده شد که در آینده ارتباط او با دول دیگر باید تحت نظارت و سرپرستی دولت انگلیس باشد . از آن تاریخ به بعد بتدریج از اهمیت زنگبار کاسته شد ولی دولت انگلیس ادعای او را به تخت و تاج زنگبار برای خود سلطان و اولادش قبول کرد و به سلطان اجازه داده شد جانشین خود را با موافقت دولت انگلیس تعیین کند . سیدعلی بخویی می دانست که در صورت عدم قبول تحت الحمايگی انگلیس آلمان ها جزیره زنگبار و مستملکات او را تصرف خواهند کرد بهمین جهت با اکراه قرارداد را امضا کرد و منتهای کوشش خود را نمود که حداکثر غرامت را برای صرف نظر کردن نواحی ساحلی که به آلمان ها داده میشد وصول کند .
 ادامه دارد

فهرست کتابخانه

جلد بیست و یکم فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی در ۴۷ صفحه انتشار یافت . این مجلد اختصاص به معرفی بخشی از کتابهای فارسی و عربی اهدائی مرحوم مجید فیروز (ناصرالدوله) دارد .
 براین فهرست مقدمه کوتاهی از طرف آقای عبدالحسین حسابری رئیس دانشمند کتابخانه نوشته شده و متن نامه اهداء کننده و سخنان مرحوم سردار فاخر رئیس پیشین مجلس را که بهمین مناسبت ایراد کرده نقل نموده است .
 ناگفته نماند که طی پانزده سال اخیر ، کتابخانه مجلس ایران از لحاظ کتب خطی و چاپی بسیار غنی شده و بیش از تمام ادوار پیشین اسناد معتبر و کتب خطی ذیقیمت و منحصر خریداری شده است و در اینکار آقای مهندس ریاضی رئیس پیشین مجلس عملاقه و دبستگی خاص داشت .
 کوشش آقای حائری و همکاران ایشان در خور ستایش است و توفیق خدمت برای آنان آرزو می کنیم .